

ضابطه تبیین جرم اقتصادی

امین جعفری^۱

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین جرائم در نظام‌های حقوقی مختلف، جرائم اقتصادی هستند. به همین سبب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران، به شناخت این دسته از جرائم پرداخت و برای آن‌ها آثاری در قواعد ماهوی حقوق کیفری - از جمله منع اعمال قرار تعویق صدور حکم، قرار تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان - پیش‌بینی کرد. با وجود این، عملکرد مقنن از دو جهت مشکل دارد: نخست، روشن نبودن مفهوم جرم اقتصادی و دوم گستره ناقص جرائم پیش‌بینی شده در قالب جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی. از این رو برای برون‌رفت از این دو بحران، باید به جای تعریف مفهومی و تعیین مصداق، به سوی تبیین ضابطه گام برداشت که مهم‌ترین آن بهره‌گیری از اصول حقوق کیفری کسب و کار است. مطالعه تطبیقی کشور فرانسه نیز نشان از قاعده و ضابطه‌مندی در تبیین جرم اقتصادی دارد.

کلمات کلیدی: جرم اقتصادی، حقوق کیفری کسب و کار، سیاست کیفری ایران.

مقدمه

جرم پدیده‌ای است که پیشینه دیرینه‌ای در زندگی بشر داشته و به سبب پایدار بودن ارتکاب آن در تمامی ادوار تاریخ، امیل دورکیم از طبیعی بودن آن سخن گفت؛ بنابراین با تحولات صورت گرفته در هر یک از عرصه‌های اجتماعی، ارتکاب جرم یا دست کم قصد ارتکاب

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. amin.jafari@atu.ac.ir

جرم در آن عرصه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از این رو با توجه به رشد اقتصاد و بسترهای قانونی آن، برخی از اشخاص و گروه‌ها، به سبب سوددهی فراوان جرائم اقتصادی^۱، روی به ارتکاب آن آوردند، به نحوی که در حال حاضر جرائم اقتصادی مهم‌ترین و خطرناک‌ترین جرائم شناخته می‌شوند؛ زیرا در پس خود جنایات گسترده‌ای را موجب می‌شوند. در واقع با توجه به منافع موجود در نظام اقتصادی ممکن است جرائمی علیه آن نیز ارتکاب یابد؛ از این رو یکی از بارزترین نمونه‌های بحران‌های پدیده جنایی، جرائم اقتصادی یا کسب و کاری است که در سطح داخلی ایجاد و آثار آن در روابط خارجی نیز نمود می‌یابد (همتی و جدید، ۱۴۰۰). به همین علت، از یکسو سیاست‌گذاران جنایی به جرم‌انگاری و کیفرگذاری و در واقع اتخاذ سیاست‌های کیفری در قبال آن‌ها مبادرت می‌ورزند و از سوی دیگر برای پیش‌بینی تدابیر پیشگیرانه ناظر به این جرم‌ها گام برمی‌دارند (نیازپور، ۱۳۹۶).

در نظام حقوقی ایران و به‌ویژه حقوق کیفری، تبیین و تعریف جرم اقتصادی یکی از بحث‌های چالشی بوده است. دلیل این چالشی بودن درگیر کردن جامعه و حساسیت به مسائل از یک‌سو و ناشناخته بودن این حوزه از سوی دیگر است. یکی دیگر از دلایل مسئله‌ساز بودن جرم اقتصادی، دارا بودن ویژگی‌هایی چون رؤیت‌پذیری اندک (پنهان بودگی)، رقم سیاه بالا، پویایی، گستردگی دامنه خطر و برخورداری از اطلاعات خاص است (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲). به همین سبب است که گرچه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تلاش کرده است تا گامی برای ضابطه‌مند کردن جرم اقتصادی بردارد؛ اما در این راه چندان موفق نبوده است. در واقع قانون مزبور برای نخستین بار با نگاهی کلی به جرائم اقتصادی و با تعیین مصداق برخی از نمونه‌های آن، قواعد ماهوی حقوق کیفری چون تعویق صدور حکم،

۱. یکی از مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری جرائم اقتصادی، اخلاق به ویژه اخلاق تجاری می‌باشد که عبارت است «علمی هنجار ساز یا نرماتیو که هدف آن شناخت و ارج نهادن و حمایت کردن از این هنجارها و اجرا کردن آن به بهترین نحو است» (جعفری، ۱۳۸۹).

تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان را در حوزه این جرائم اجرایی ندانسته است و از این رو رویکردی سخت گیرانه به جرائم اقتصادی داشته است. از این رو این پرسش مطرح می شود که چه ضابطه ای برای شناخت جرائم اقتصادی در سیاست کیفری ایران وجود دارد؟ با توجه به این موارد ضروری است که جایگاه جرم اقتصادی به خوبی تبیین شود و بر اساس آن جرم انگاری یا جرم زدایی متناسب و مؤثر شکل گیرد. در واقع هدف از ارائه ضابطه تبیین جرم اقتصادی تلاش برای استانداردسازی تعاریف در این حوزه به منظور مقابله ای کارا و متناسب است.

نخست: دشواری های تعریف جرم اقتصادی

جرم اقتصادی بسته به موضوع در رشته های حقوق کیفری هنجاری و جرم شناختی و توسط قانون گذار و دکتترین تعریف شده است. تعدد مراجع در تعریف جرم اقتصادی خود دشواری هایی را به همراه داشته است. در واقع مشکلات و دشواری های تبیین جرم اقتصادی توسط قانون گذار در حوزه جرائم اقتصادی شامل موارد زیادی می شود که اهم آن تعدد و مبهم بودن قوانین است. در خصوص تعدد قوانین باید گفت که این مسئله در حوزه کیفری (قوانین شکلی و ماهوی) و دیگر قوانین مرتبط کسب و کار با وضع جرم انگاری های گوناگون مشهود است. در خصوص تعدد جرم انگاری ها فهرستی از قوانین اعم از قوانین بالادستی و پایین دستی، آیین نامه های اجرایی و دستورالعمل ها داخل ایران وجود دارد. در کنار آن ایران به کنوانسیون های بین المللی مرتبط با جرائم کسب و کار مانند مبارزه با فساد نیز ملحق شده است. این تعدد قوانین باعث می شود که خود مجریان قانون همچون قضات سردرگم بمانند و آشنایی و تسلط دقیقی با قوانین در این حوزه نداشته باشند، مگر این که تحصیلات عالیه آن ها متمرکز در این زمینه باشد.

علاوه بر آن بسیاری از قوانین در حوزه کسب و کار خود مبهم است. هنوز قانون گذار تعریفی دقیق و علمی از جرم اقتصادی (در تعبیر بزرگ تر جرم کسب و کار) ارائه نکرده است. تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم

زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی يك میلیارد ریال یا بیشتر باشد...»، قانون‌گذار يك لیست ارائه کرده است و هیچ ضابطه‌ای در تبیین جرم اقتصادی مشاهده نمی‌شود. تمرکز قانون‌گذار به میزان مالی بوده که موضوع جرم شناخته می‌شود که حداقل آن را صد میلیون تومان در نظر می‌گیرد. با توجه به نرخ تورم نمی‌توانیم همه افرادی که با این میزان مرتكب جرمی شوند را معرّم اقتصادی در نظر بگیریم و آثار شدیدی را برای این افراد بار کنیم. ماده ۱۰۹ نیز در همین خصوص مقرر می‌دارد: جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: ب: جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده. ابهاماتی از این دست در قوانین قبلی نیز وجود داشت مانند مثلاً قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور سال ۱۳۶۹؛ بنابراین با وضع قانون جدید، نه تنها شبهات مرتفع نشد بلکه اختلاف دیدگاهی زاویه‌داری در خصوص تعریف جرائم اقتصادی دیده می‌شود.

جدای از این تنوع در قوانین، در دکتّرین ایران نیز تعدّد تعاریف وجود دارد بدین معنی که در آموزه‌های حقوقی کیفری در حوزه جرائم اقتصادی هر کدام از نویسندگان تعریفی متفاوت از جرم اقتصادی ارائه داده‌اند که خود این‌ها هم آثار متفاوتی را برای دستگاه قضا ایجاد می‌کند.

علاوه بر حوزه تقنینی، دکتّرین ایران برای تبیین جرم اقتصادی یا معیارهای متفاوتی را معرفی کرده است و یا مصادیقی را به عنوان جرم اقتصادی فهرست‌وار مطرح می‌کند که قانون‌گذار را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در تبیین جرم اقتصادی از طریق معیارهای ارائه شده این قاضی است که با ابزار معیارهای ارائه شده، جرم اقتصادی را بررسی می‌کند.

دوم: ارائه معیارهای تعریف جرم اقتصادی

در ارائه معیارهای جرم اقتصادی، از معیارهای موجود در تعریف جرم اقتصادی سخن گفته و سپس به بررسی ضابطه تبیین جرم اقتصادی از منظری نوین پرداخته شد. در خصوص معیارها آن‌گونه که گفتیم دکتّرین حقوق کیفری ایران برخی معیارهایی را برای تبیین جرم

کسب و کار ارائه کرده است که بعضی از این معیارها گرایش‌های جرم‌شناسانه و برخی گرایش‌های حقوق کیفری هنجاری دارند. با این حال به نظر می‌رسد تمرکز بیشتر بر وجهه کیفری (ضمانت اجراها) تا وجهه اقتصادی (اصول و تکنیک‌ها) بوده است. در این صورت معیارهایی که وجود دارد عبارت‌اند از:

معیار انگیزه مرتکب: در تلاشی برای تعریف جرم اقتصادی، آن را رفتار غیرقانونی می‌دانند که انگیزه مرتکب به دست آوردن منفعت و سود مالی است (حسینی و مهرا، ۱۳۹۴). در این چهارچوب فکری، هر جرمی که توسط اشخاص به قصد تحصیل عواید مالی و در جهت سودجویی صورت گیرد مانند ارتشاء، فرار از مالیات، سوءاستفاده از موقعیت و اعمال نفوذ، استفاده از رانت‌های سیاسی و اقتصادی، برقراری انحصار و غیره جرم اقتصادی تلقی می‌شود. معیار دوم ضابطه حدنصاب مالی/میزان احتمالی ضرر و زیان در یک سلسله جرائم خاص (مصادقی) است. معیار حدنصاب مالی که در قانون سال ۱۳۹۲ آمده است با احصا کردن سیزده عنوان مجرمانه که میزان موضوع جرم از ۱۰۰ میلیون تومان بیشتر باشد، آن‌ها را در شمار جرائم اقتصادی قرار داده است.

دومین معیار، این معیارها متمرکز بر عوامل و اسباب محیطی و غیرمحیطی ایجاد جرم یا شخصیت بزه‌کار^۱ است. در معیار جرم‌شناختی دیدگاه‌های شخصی بزه‌کارانه اهمیت می‌یابد: بررسی روان‌شناختی جرم اقتصادی فارغ از تفاوت میان مجرم و غیرمجرم و شخصیت جنایی بزه‌کار اهمیت می‌یابد. در چهارچوب این نظریه مجرم اقتصادی، شخصی دارای مشکلات درونی است که با دیدن موقعیت و جایگاه ثروتمندان در جامعه احساس حقارت نموده و دست به ارتکاب جرم می‌زند؛ بنابراین در دیدگاه جرم‌شناسی جرم اقتصادی معیارهای شخصی و درونی یا بیرونی و محیطی بزه‌کاری اقتصادی را شکل می‌دهند.

۱. از این دریچه، گاهی بیان شده که جرائم اقتصادی به وسیله نوع خاصی از اشخاص ارتکاب می‌یابد که دارای موثعیت اجتماعی برتر هستند (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲).

در تلاشی برای ارائه تعریفی نوین از جرائم کسب‌وکار و در تلاش برای تبیین ضابطه در تعریف جرم اقتصادی در تعبیر کسب‌وکار لازم است که در بستر اقتصاد این جرم تعریف شود. در یک دسته‌بندی اقتصاد به دو دسته اقتصاد واقعی و اقتصاد پولی تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی بسیار نزدیک به تقسیم‌بندی فرانسوی از کسب‌وکار^۱ است که در این دسته‌بندی کسب‌وکار را به اقتصاد و پول تقسیم می‌کنند. کسب‌وکار در اینجا شاخه‌های زیادی از حقوق اقتصادی (حقوق تجارت، کار، محیط‌زیست^۲، مصرف‌کننده و غیره) و حقوق پولی - مالی (حقوق بانکی، بازار سرمایه و بیمه) را در برمی‌گیرد و جرم‌انگاری در این زمینه باید جامع و متناسب با هر حوزه باشد. در تعبیر دیگر هم حوزه چرخه اقتصادی و هم حوزه فعالیت‌های پولی و مالی را شامل می‌شود.

در تعریف جرم اقتصادی در حوزه کسب‌وکار با تمرکز بر محور اقتصاد، باید به دو مسئله جرم اقتصادی و فساد توجه شود: ۱. جرم اقتصادی در دیدگاه اقتصاد ترسیم می‌شود و جنبه درمان دارد. ۲. فساد در دیدگاه دولتی (در دستگاه اداری) یا در نظام شرکت‌های خصوصی (در تعبیر جرائم یقه‌سفید که شامل مدیران می‌شود)^۳ مطرح می‌شود و جنبه پیشگیرانه دارد. پس جرم اقتصادی مساوی با فساد نیست و شاید به‌عنوان معیاری از جرم اقتصادی شناخته شود (جعفری، ۱۳۹۹). جرم اقتصادی در مختصات حقوق کیفری تعریف می‌شود اما فساد این‌گونه نیست. فساد به این دلیل که ارزش‌های اخلاقی را از بین می‌برد، عدالت را ضعیف

1. des Affaires

۲. برای نمونه امروزه محیط‌زیست ایران به دلایل مختلف از جمله فعالیت‌های اقتصادی در وضعیت بحرانی قرار گرفته، به نحوی که تخریب جنگل‌ها و مراتع، آلودگی هوا، کمبود منابع آب، تخریب کوهستان‌ها، تصرف اراضی عمومی و آلودگی دریاها تنها بخشی از این بحران هستند که خسارات فراوانی را بر محیط‌زیست وارد کرده‌اند. بر اساس مطالعه انجام شده در سال ۲۰۰۲ خسارات ناشی از تخریب محیط‌زیست در ایران حدود ۸۴۳۰ میلیون دلار برآورد شده است.
۳. جرائم شرکتی یا جرائم اشخاص حقوقی تجاری را می‌توان به تعبیری، مفهوم بازاندیشیده شده از جرائم یقه‌سفیدان تلقی نمود که در حیطه مطالعاتی جرم‌شناسی‌های انتقادی قرار می‌گیرند (صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۶).

می‌کند، حاکمیت قانون را به خطر می‌اندازد و اصول و ارزش‌های دموکراتیک یک کشور و جامعه مدرن را از بین می‌برد، جرم‌انگاری شده است.

بنابراین برای ارائه یک تعریف نوین جرم اقتصادی در نظام کسب‌وکار اگر بپذیریم که کسب‌وکار (در تعبیر فرانسوی des affaires و در تعبیر انگلیسی Business) تعبیری وسیع برای کلیه فعالیت‌های اقتصادی و پولی و مالی است، جرم اقتصادی در تعبیر کسب‌وکار دیدگاه‌های کیفری و غیر کیفری به مسائلی که آثار کیفری دارد را در برمی‌گیرد. این تعریف نوین بر پایه دو محور حقوق کیفری (نظم عمومی اقتصادی) و اقتصاد (ارزش‌های کسب‌وکار) استوار است. این تعریف در راستای دسته‌بندی اقتصاددانان که اقتصاد را به اقتصاد پولی و واقعی تقسیم می‌کنند، جلوه‌گر می‌شود. بدین صورت که اگر اقتصاد به پولی و واقعی تقسیم شود، کل این مجموعه را حقوق کسب‌وکار می‌دانیم و کژروی‌ها و انحرافات و تخلفاتی که در آن صورت می‌گیرد و ضمانت اجرای کیفری که می‌تواند وجود داشته باشد را حقوق کیفری کسب‌وکار می‌نامیم. تعریف ارائه شده دیدگاه جدید، دیدگاهی وسیع‌تر و تخصصی‌تر نسبت به معیارهایی است که حقوق‌دانان کیفری نسبت به جرائم اقتصادی دارند و تنها بر محور جرم نیست و تأکید بیشتر بر اقتصاد دارد.

در تعبیر جدید تمرکز تنها بر حفظ نظم عمومی نیست و علاوه بر آن باید به ارزش‌های اقتصادی (کسب‌وکار) نیز توجه و از آن حمایت شود. تعبیر جدید از جرائم اقتصادی به همان میزان که بر مسائل کیفری استوار است، مسائل غیر کیفری نیز از دغدغه آن محسوب می‌شود؛ بنابراین دیدگاه ساده‌انگارانه‌ای را برای جرائم اقتصادی بر این فرض که هر جرمی که موضوعش مالی باشد یا مثلاً صد میلیون تومان باشد را ارائه نمی‌کنیم. بر پایه این دیدگاه که بر مبنای یک تفکیک اقتصادی پایه‌ریزی شده است، اقتصاد واقعی را شامل تولید و توزیع و مصرف ثروت می‌دانیم و در کنار آن روابط پولی - مالی پیش‌بینی شده است. همه این مناسبات باید توسط قانون‌گذار کسب‌وکار چهارچوب‌مند شده و حقوق و تکالیف کنشگران به‌طور دقیق و مصداقی معرفی شود و برای آن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شود.

در نهایت دیدگاهی نوین در خصوص فساد در حوزه کسب و کار مطرح شد به این صورت که در دیدگاهی کلی در خصوص فساد وجود دارد به این صورت که برای فساد تعبیر عامی را به کار می‌برند و قانون‌گذار ایران نیز در همان راستا عمل کرده است. فساد را عبارت می‌دانند از جرائمی که در حوزه اداری توسط کارمندان دولت ارتکاب یابد و منافع دولت را به خطر می‌اندازد و آثار مالی نیز دارد.

تعبیر دیگری را بیشتر استادان جرم‌شناس به کار می‌برند و از دیدگاه جرم‌شناسی آن را مطرح می‌کنند و آن اصطلاح «جرائم یقه‌سفید» است. در این دسته هرچند کارمندان غیردولتی‌ها را نیز دربر بگیرد اما در کل جرائم اداری در تعبیر فساد است که ممکن است در یک شرکت چه دولتی چه خصوصی اتفاق بیفتد. کارمندان در سطح عالی یا کارمندان ارشد این اقدامات را انجام می‌دهند و بیشتر هم دیدگاه‌های پیشگیرانه دارند و در مختصات کیفری نمی‌گنجد. آن تعبیری که برای فساد به کار می‌بریم بسترسازی برای ارتکاب جرائم کسب و کار است؛ یعنی اقدامات یا ترک فعل‌هایی که وقوع جرم در حوزه کسب و کار (اقتصاد واقعی) و اقتصاد پولی را تسهیل می‌کند و باید برای آن مجازات تعیین کرد. بدین‌سان در این تعریف فساد می‌تواند بسترساز جرائم دیگری از قبیل جرائم بانکی، ارزی، بازار بورس (بهبازار) و غیره باشد؛ بنابراین فساد را مترادف جرم اقتصادی نمی‌دانیم بلکه درون آن است و بزه‌های مقدماتی است که باعث ایجاد جرائم دیگر می‌شود و آن را تسهیل می‌کند. پس وجود فساد در یک نظام اقتصادی می‌تواند معیاری برای وجود داشتن جرائم کسب و کار به شمار رود. بنابراین در تبیین ضابطه جرم اقتصادی بایستی نظم عمومی (نظم عمومی اقتصادی) و ارزش‌های روابط کسب و کاری پررنگ شود زیرا در راستای این دو تعبیر نظم عمومی اقتصادی (دیدگاه کیفری) به همراه ارزش‌های کسب و کار (دیدگاه اقتصادی) ضابطه تعریف جرم اقتصادی نقش می‌بندد: جرم اقتصادی در تعبیر کسب و کار عبارت است از جرمی که نظم عمومی اقتصادی یا یکی از ارزش‌های اولیه یا ثانویه کسب و کار را در چرخه ثروت و

خدمات (اقتصاد واقعی) و یا معاملات پولی - مالی (اقتصاد پولی) را هدف قرار دهد و بر آن خدشه وارد سازد.

به عنوان هدف از ارائه ضابطه تبیین جرم اقتصادی علاوه بر شناخت ماهیت این حوزه این است که برای هر حوزه کسب و کاری (تولید، توزیع و مصرف ثروت و نیز روابط پولی و مالی) سازوکارها و تکنیک های مخصوص خودشان را اعمال کنیم. این سازوکارها بعضاً کیفری نیست و ماهیتی اقتصادی (کسب و کاری) دارد و می تواند تکنیک پیشگیرانه پیش از ارتکاب جرم یا تکنیک های تخفیفی پس از ارتکاب برای آن وجود داشته باشد؛ بنابراین درواقع همه جرائم را با یک دیدگاه کیفری درمان پذیر نمی دانیم و برای همه مجازات یکسان قائل نیستیم و معتقدیم به فراخور و تناسب محیط و این که کشگران چگونه فعالیت می کنند، باید عمل کرد.

نتیجه

در برابر رویکرد نویسنده در ضابطه تبیین جرم اقتصادی، دو نقد مطرح شده اند که در ادامه بیان می شوند.

در نخستین نقد مطرح شده توسط آقای دکتر صمد عزیزنژاد این مسئله مطرح شد که به بررسی دیگر عوامل ایجاد فساد در تبیین ضابطه جرم اقتصادی همچون اصول ۷۰ و ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته نشده است. در این خصوص پاسخ داده شد که هدف از ضابطه تبیین جرم اقتصادی، تلاش برای ارائه یک ضابطه بوده است و در این بحث مشکلات و ساختار مثلاً نهادها از دیدگاه قانون اساسی، اساساً جایگاهی نداشت که مطرح شود و نیازمند آن است که در کرسی دیگری این موارد ارائه شود. امنیت قضایی فاکتورهای زیادی دارد که به یکی از این فاکتورها اشاره شده و الزاماً ارتباطی با تبیین جرم اقتصادی و ضابطه تبیین آن ندارند.

دومین نقد مطروحه وارد شده توسط آقای دکتر میرسعیدی مطرح شد به این مضمون که تبیین ضابطه جرم اقتصادی نیاز به تشریح بیشتری دارد که در این راستا، ارائه کننده (دکتر

امین جعفری)، مطرح کردند که در تبیین ضابطه جرم اقتصادی، نظم عمومی را در کنار ارزش‌های روابط کسب‌وکار باید در نظر گرفت. درواقع هر دو این‌ها در تعریف جرم اقتصادی اهمیت دارد و در این دیدگاه جرم اقتصادی را در تعبیر کسب‌وکار، جرمی می‌دانیم که نظم عمومی و اختصاصی یا یکی از ارزش‌های اولیه یا ثانویه کسب‌وکار را در چرخه ثروت و خدمات و اقتصاد واقعی و یا معاملات پولی، مالی یا اقتصاد پولی هدف قرار می‌دهد تا بعداً به آن خدشه وارد کند. درواقع هدف این است که بر اساس این که جرم در کدام قسمت حوزه کسب‌وکار ارتکاب یافته، به چه صورتی باید با آن مبارزه کنیم و چه سازوکارها و تکنیک مخصوص خود را داشته باشیم. قاعداً این سازوکارها کیفری نیستند و می‌توانند ماهیت اقتصادی و کسب‌وکاری هم داشته باشند. از تکنیک‌های پیشگیرانه نیز در اینجا استفاده می‌شود. همه این‌ها کمک می‌کند تا همه کنشگرانی که در این حوزه هستند با امنیت قضایی بتوانند به فعالیت خود بپردازند. پس با یک دیدگاه کیفری، تعبیر جدیدی که جرائم اقتصادی را تعریف می‌کند همه جرائم را درمان نمی‌کند و بنابراین به فراخور و تناسب محیطی که کنشگران چگونه فعالیت می‌کنند باید عمل کرد و آن‌ها را مجازات نمود. چگونه در این ضابطه هم ارزش‌های اولیه و هم ارزش‌های ثانویه در تعریف گنجانده خواهد شد؟ در پاسخ گفته شد که ارزش‌های بنیادین در دیدگاه ارائه‌کننده و در حقوق کیفری کلاسیک سه مورد بیشتر نیست (نفس، مال و امنیت) و بنابراین در هر مقطع زمانی و مکانی از این ارزش‌های بنیادی محافظت شده است و در همه کشورهای مدرن و کشورهایی که نظام‌های حقوقی متفاوت با ما دارند یا غیره، این سه ارزش وجود دارد. حقوق کیفری نظامی از اصل ارزش بنیادین امنیت، حمایت و جرم‌انگاری می‌کند. امنیت، ارزشی است که در همه کشورها باید حفظ شود. پس تفاوت در ارزش بنیادی نیست، بلکه تفاوت در پذیرش ارزش‌های ثانویه و تفاوت در اصول و تکنیک‌هایی است که زمانی که بر ارزش‌های ثانویه خدشه وارد می‌شود، با چه کیفیتی با آن مقابله کنیم؛ بنابراین ضابطه‌ها همچنان خدشه‌ناپذیر است و ضابطه ارزش‌هایی است که درون‌قلمرویی که مطرح کردند، وجود دارد. در حوزه نظام کسب‌وکار یک سلسله ارزش‌ها پررنگ‌تر هستند و ممکن است سلسله

ارزش‌هایی دیگر کم‌رنگ‌تر باشند و به واسطه این ارزش‌ها است که شاید بعضی اصول حقوق کیفری کلاسیک را تعدیل می‌کنیم ولی از بین نمی‌روند. پس تبیین ضابطه به واسطه افزایش قلمرو نیست؛ بلکه سلسله ارزش‌های نوین ثانویه‌ای در این حوزه است یا این ارزش‌ها پررنگ‌تر شده‌اند و ارزش‌های ثانوی دیگر را کنار می‌زنند.

منابع

- ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲). تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی. *مجله پژوهش حقوق کیفری* ۲ (۵): ۱۴۷-۱۷۴.
- جعفری، امین (۱۳۹۹). مبانی حقوق کیفری کسب و کار. تهران: سمت.
- جعفری، امین (۱۳۸۹). اخلاق تجاری و حقوق کیفری اقتصادی. *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری* ۱ (۲): ۳۰-۳.
- حسنی، جعفر و مهرا، نسرين (۱۳۹۴). نقدی بر مفهوم «جرم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی* ۲ (۲ و ۳): ۶۹-۴۵.
- صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۶). تحلیل جرائم شرکتی در پرتو نظام‌های اقتصادی. *مجله حقوقی دادگستری* ۸۱ (۹۹): ۲۰۱-۲۲۷.
- میرسعیدی، سیدمنصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲). جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه. *مجله پژوهش حقوق کیفری* ۲ (۴): ۱۶۷-۱۹۹.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۶). تکالیف سازمان بورس و اوراق بهادار در زمینه پیشگیری از جرم. *مجله راهبرد* ۲۶ (۸۲): ۳۲۷-۳۵۵.
- همتی، مرضیه و جدید، بهاره (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در زمینه پیشگیری از جرائم بانکی. *مجله رهیافت پیشگیری از جرم* ۴ (۴): ۱۴۱-۱۶۸.